

نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت

لیلا فلاحتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲

چکیده

پژوهش حاضر به منظور سنجش تفاوت‌های جنسیتی و قومیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی و با استفاده از سنججه متناسب با فرهنگ کشورهای اسلامی، طراحی شده توسط خلیل و فریزی (۲۰۰۴) صورت گرفته است. حجم نمونه در این مطالعه ۴۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر سه دانشگاه دولتی شامل دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تهران و دانشگاه کردستان است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش، و ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه بوده که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی در بین پاسخ‌گویان توزیع شده است. نتایج حاصل از سنجش بیانگر این است که دیدگاه سنتی به نقش‌های جنسیتی در بین دانشجویان وجود ندارد و نگرش‌ها در سطح حرفه‌ای و لیبرال قرار دارد. بین زنان و مردان تفاوت معنادار در نگرش به نقش‌های جنسیتی وجود دارد به طوری که مردان نگرش حرفه‌ای و زنان نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی دارند. از نظر قومیتی، نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین زنان و مردان در قومیت فارس و لر دارای تفاوت معناداری است به طوری که در هر دو قومیت، زنان نگرش لیبرال و مردان نگرش حرفه‌ای به نقش‌ها دارند. این در حالی است که در قومیت کرد تفاوت معناداری بین دو جنس وجود نداشته و هر دو جنس نگرش لیبرال به نقش‌ها دارند. در قومیت ترک هم تفاوت معنادار بین دو جنس وجود ندارد و نگرش هر دو جنس به نقش‌های جنسیتی حرفه‌ای و سنتی است.

واژگان کلیدی: نگرش، نقش‌های جنسیتی، تفاوت‌های جنسیتی، دانشجوی، قومیت.

در حال حاضر بیش از نیم میلیارد زن مسلمان در سراسر جهان زندگی می‌کنند که بر حسب فرهنگ حاکم بر جامعه نقش‌ها و انتظارات متفاوتی را در زندگی تجربه می‌نمایند. تنوع رفتارها و نقش‌های جنسیتی در بین زنان مسلمان به طرز چشمگیری تحت تأثیر فرهنگ و ساختار جامعه قرار دارد (چاراد^۱، ۱۹۹۸). در کشورهای اسلامی نقش‌های جنسیتی به طرز چشمگیری تحت تأثیر فرامین قرآنی هستند و به همین دلیل نیز تفاسیر مختلف و متفاوتی در مذاهب اسلامی در زمینه نقش‌های جنسیتی وجود دارد. اسمیت^۲ (۱۹۸۷) چهار حوزه اصلی در زمینه مسائل زنان از دیدگاه قرآن را نام می‌برد که شامل مسائل مرتبط با ازدواج، وراثت، مالکیت و حجاب است و بر همین اساس در تفاسیر مختلف اسلامی دیدگاه‌های مختلفی پیرامون انتظارات نقشی به‌ویژه از زنان وجود دارد.

تفاوت در نقش‌های جنسیتی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تجربه زیسته در بین مردان و زنان است که در سرتاسر جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارد و تقسیم نقش‌های جنسیتی از دوران کودکی و در مرحله جامعه‌پذیری آغاز و در همه عرصه‌های زندگی نمود می‌یابد. در یک تعریف کلی نقش‌های جنسیتی^۳ به انتظارات رفتاری که از دو جنس در موقعیت‌های گوناگون و بر اساس هنجارهای جامعه انتظار می‌رود اطلاق می‌شود (لیندسی^۴، ۲۰۱۱: ۲). به عبارت دیگر، نقش‌های جنسیتی رفتارهایی است که مردان و یا زنان جامعه برای شناساندن خود به منزله یک مرد و یا زن انجام می‌دهند و فرهنگ آن جامعه این رفتارها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را برای مردان و زنان شایسته و مناسب می‌داند و آن را تشویق می‌کند و انتظار دارد هر جنس، نقش‌های مرتبط را انجام دهد. همان‌گونه که اشاره شد در جوامع اسلامی انتظارات نقشی تحت تأثیر فرهنگ مذهبی جامعه است و طیف گسترده‌ای از نقش‌های جنسیتی در مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد. این نقش‌ها از دوره جامعه‌پذیری به هر دو جنس منتقل می‌شود و دختران و پسران بر اساس ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه نقش‌های جنسیتی را می‌آموزند. به‌عنوان مثال در جوامع اسلامی عمده‌ترین نقش‌های جنسیتی بر اساس خانواده تعریف می‌شود و برای زن و مرد وظایفی در



1. Charrad
2. Smith
3. gender role
4. Lindsey

خانواده در نظر گرفته شده و تقسیم کار در فضای خانوادگی تعریف می‌شود. از نظر اسلام زن در فعالیت‌های مختلفی می‌تواند مشارکت داشته باشد، اما وظیفه برقراری آرامش در خانواده به صراحت به عنوان نقشی زنانه مطرح و وظیفه سرپرستی و نان‌آوری در خانواده نیز به عنوان نقش مردانه تعریف شده است (افروز، ۱۳۸۶: ۱۶۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲۶). علاوه بر مذهب، نژاد و قومیت نیز نقش مؤثری در تعیین نگرش به نقش‌های جنسیتی دارد. اگر چه در گذشته نژاد و قومیت از منظر بیولوژیکی مورد بررسی قرار می‌گرفتند، اما اکنون به عنوان یکی از ساختارهای مهم اجتماعی و فرهنگی در مطالعات اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. دارلینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۶) بر اساس نتایج حاصل از مطالعات خود تأکید می‌کنند، قومیت نیز هم‌چون مذهب نقش تعیین‌کننده‌ای بر نگرش به نقش‌های جنسیتی دارد و از مهم‌ترین علل آن می‌توان به در اقلیت بودن، ساختار خاص فرهنگی و همگنی زیاد آنها اشاره نمود. همین ویژگی‌ها باعث شده که طیفی متفاوت از نگرش و انتظارات از نقش‌های مختلف در قومیت‌ها وجود داشته باشد که به عنوان مثال در برخی از قومیت‌ها مشارکت زنان در نقش‌های مردانه همچون دفاع و جنگ، امری پذیرفته شده و در برخی دیگر از قومیت‌ها تفکیک کامل جنسیتی در نقش‌ها وجود داشته و زنان درگیر نقش‌های کاملاً سنتی باشند. این در حالی است که طی قرون گذشته تحولات ناشی از صنعتی شدن جوامع تأثیر فراوانی در ساختار اقتصاد و جامعه ایجاد کرده و باعث تغییرات فراوان در بازار کار و مشاغل و در نتیجه تقسیم نقش‌های جنسیتی شده است.

یکی از مهم‌ترین این تحولات در ساختار آموزش رخ داده به طوری که طی چهار دهه اخیر تعداد زنان تحصیلکرده دانشگاهی در اکثر کشورهای دنیا افزایش چشمگیری داشته است و در برخی از کشورها مانند ایران، تعداد دختران در حال تحصیل از پسران پیشی گرفته است. علاوه بر این بررسی تحولات ترکیب جنسیتی در بازار کار بیانگر این است که با افزایش سطح تحصیلات، میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است، به طوری که سهم زنان از نیروی کار جهان از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۱ درصد در سال ۱۹۹۶ (ILO, ۱۹۹۷) و در سال ۲۰۱۰ نرخ مشارکت زنان در مشاغل غیرکشاورزی به ۴۱ درصد افزایش یافته و سهم زنان متأهل شاغل نیز در بین شاغلین در حال افزایش است. بنابراین تحولات بسیاری در مورد نقش‌های سنتی زنان و مردان ایجاد

1. Darling





شده است و عملاً زنان در امر اقتصاد خانواده و مشارکت در بازار کار رسمی که عمدتاً نقشی مردانه تلقی می‌شده است، حضور معناداری یافته‌اند و همین امر بیانگر تحولات ایجاد شده در نقش‌های سنتی و انتظارات از نقش‌های جنسیتی است. بررسی داده‌های زمانی مرکز آمار ایران (۱۳۹۰) بیانگر این است که این تحولات در کشور ایران نیز هم‌گام با سطح ارتقاء تحصیلی زنان رخ داده است، به طوری که نرخ باسوادی زنان از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۸۱ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده و علاوه بر این، نرخ رشد مشارکت اقتصادی زنان نیز از ۸ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. هر چند هنوز فاصله معناداری بین نرخ اشتغال زنان و مردان وجود دارد، اما این روند بیانگر حضور زنان در نقش‌های جدید و به تبع آن تغییرات در نگرش به نقش‌های جنسیتی است.

از سوی دیگر ایران کشوری چند قومیتی است و تنوع فرهنگی، زبانی و تفاوت در سازه‌های فرهنگی از ویژگی‌های مهم آن است. بررسی تخمینی وضعیت تنوع اقوام در ایران بیانگر این است که در حال حاضر حدود ۶۰ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی ایران را فارس‌ها، ۱۶ درصد آذری‌ها، ۱۰ درصد کردها و ۶ درصد را قوم لر و باقی مانده را اقوامی همچون گیلکی و مازندرانی، عرب، بلوچ و ترکمن تشکیل می‌دهد. این تنوع قومیتی بیانگر تنوع فرهنگی-هویتی و در نتیجه تفاوت در نظام ارزش‌ها و هنجارهاست که در پژوهش‌های پیشین مورد توجه قرار گرفته است. اما از منظر جنسیت و نگرش به نقش‌های جنسیتی، مطالعه خاصی در رابطه با بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی صورت نگرفته است.

بنابراین تغییرات در ساختار آموزش و اقتصاد طی چند دهه اخیر و حضور پررنگ زنان در عرصه‌های مختلفی مانند تحصیل، آموزش و اشتغال این پرسش را ایجاد می‌کند که تغییرات در نگرش به نقش‌های جنسیتی تا چه اندازه در بین مردان و زنان و بر اساس قومیت رخ داده است. بر این اساس هدف اصلی این مطالعه بررسی نگرش نسبت به نقش‌های جنسیتی در بین دانشجویان بر اساس تفاوت‌های جنسیتی و با تأکید بر قومیت است.

مبانی نظری پژوهش

برای درک نقش‌های جنسیتی جامعه‌شناسان از نظریه‌های گوناگونی بهره می‌گیرند که در فهم واقعیت اجتماعی و هدایت فرایند تحقیق و همچنین تفسیر داده‌ها به کار می‌آید.

نظریه‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی بر اساس سطح تجزیه، تحلیل و اطلاعات جمع‌آوری شده متفاوت هستند. دیدگاه‌های جامعه‌شناختی کلان نسبت به نقش‌های جنسیتی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به پدیده‌های اجتماعی در سطح وسیع و بزرگ مانند نرخ اشتغال، تحصیلات و مشارکت سیاسی تأکید دارند. در حالی که در سطح خرد تأکید بر تحلیل نقش‌های جنسیتی در گروه‌های خرد و کوچک مانند خانواده، گروه‌های همالان و یا زوج‌هاست و به همین دلیل تحلیل جامعه‌شناسی خرد هم‌پوشانی زیادی با روان‌شناسی اجتماعی دارد.

لیندسی (۲۰۱۱: ۶) معتقد است که نظریه‌های مربوط به نقش‌های جنسیتی ریشه در جامعه‌شناسی خانواده داشته و بر تقسیم جنسیتی نقش‌ها در خانواده و در نتیجه درونی شدن نقش به‌عنوان رفتارهای کلی فرد حتی خارج از محیط خانواده تأکید دارد. علاوه بر این نظریات کارکردگرایی یکی دیگر از حوزه‌های نظری کلان جامعه‌شناسی است که بر ارتباط شبکه‌ای بخش‌های مختلف جامعه و تأثیر آنها بر یکدیگر و کارکرد آن در کل جامعه تأکید دارد. کارکردگرایان به دنبال شناسایی کارکردهای اجزای مختلف جامعه و تأثیر آن بر برآورده کردن نیازها و تأثیر هر یک از عناصر جامعه بر توازن، تعادل و به‌طور کلی ثبات جامعه هستند و معتقدند که اشتراک در اعتقادات و باورهای جامعه باعث افزایش کنترل اجتماعی و ثبات اجتماعی می‌شود. بر این اساس کارکردگرایان بر کارکرد ارزش‌های مرتبط با نقش‌های جنسیتی، ازدواج و خانواده در افزایش تعادل اجتماعی تأکید می‌کنند. کارکردگرایان در بررسی نقش‌های جنسیتی در جوامع ابتدایی به این نتیجه رسیدند که تقسیم جنسیتی در آن دوران کاملاً مشخص، مجزا و پراهمیت بوده است، به‌طوری که مردان وظیفه نان‌آوری را بر عهده داشتند و به همین منظور ساعات زیادی را دور از خانه می‌گذراندند و این در حالی است که زنان درگیر نقش‌های فرزندآوری و نگهداری از مزرعه و رسیدگی به امور خانه بودند. کودکان نیز دارای کارکردهای مؤثری همچون کمک در امور منزل و مزرعه بودند که با بزرگ شدن آنها این نقش‌ها نیز تغییر می‌کند، به‌طوری که دختران همچنان به امور منزل و مزرعه می‌پردازند، در حالی که پسران به‌همراه پدر به شکار می‌روند. بر این اساس حقوق اجتماعی زنان و مردان نیز دارای وجه مشخصی است، به‌طوری که زنان در امور اقتصادی وابسته به مردان و ارزش کار مردان بر ارزش کار زنان تفوق داشته و مردان از منزلت اجتماعی بالاتری برخوردارند. به عقیده



کارکردگرایان در خانواده معاصر نیز همین رویه ادامه دارد، به طوری که مردان دارای نقش‌های ابزاری همچون تهیه مسکن و غذای خانواده و برقراری ارتباط خانواده با محیط پیرامون و زنان دارای نقش‌های بیانی همچون برقراری ارتباط عاطفی با اعضای خانواده و تقویت حس همبستگی در خانواده و رسیدگی به امور تربیتی اعضا و امور خانه هستند. بنابراین تقسیم جنسیتی نقش‌ها باعث ایجاد وفاق و هماهنگی در خانواده و همچنین ایفای نقش‌های تخصصی و مکمل توسط زوج‌ها شده است (پارسونز، ۱۹۶۶ به نقل از لیندسی، ۲۰۱۱: ۶).

در حالی که کارکردگرایان تقسیم جنسیتی نقش‌ها را عامل ایجاد تعادل در جامعه می‌دانند، نظریه تضاد رویکرد دیگری به این مقوله دارد. نظریه تضاد از دیگر تئوری‌های کلان در جامعه‌شناسی است که توسط کارل مارکس مطرح شده و عمده‌ترین فرض‌های آن بر تعارضات بین طبقات مختلف اجتماعی استوار است. بر اساس دیدگاه مارکس تعارضات میان طبقات مختلف جامعه بر سر منابع محدود مانند کنترل بر ابزار تولید (زمین، کارخانه‌ها و منابع طبیعی) و توزیع بهتر منابع (پول، غذا و کالا) بوده و همین امر باعث می‌شود که کنترل بر منابع در دست گروهی محدودی از افراد تحت عنوان بورژوا قرار گیرد و اکثریتی تحت عنوان پرولتاریا در مزارع و کارخانه‌ها به منظور تأمین بقای خویش مشغول به کار باشند. بر اساس دیدگاه مارکس که آنرا از انگلس برگرفته بود، در زندگی خانوادگی و تقسیم جنسیتی نقش‌ها نیز چنین تضادی حاکم است. از نظر او در جوامع اولیه به دلیل عدم وجود مالکیت و منابع مشخص تقسیم نقش‌ها عادلانه‌تر شکل گرفته است و با شکل‌گیری مالکیت در جوامع ارزش کار زنان کاهش می‌یابد و در نظر مردان ارزش این خدمات تا آنجا کاسته می‌شود که دیگر دیده نمی‌شود. زنان هنگامی می‌توانند سهمی از قدرت داشته باشند که در فرایند تولید در مقیاس وسیع مشارکت کنند که در نتیجه آن با بهره‌مندی از توان اقتصادی و درآمد شخصی می‌توانند در قدرت خانواده سهمی شده و در نتیجه تقسیم جنسیتی نقش‌ها هم متعادل‌تر شود (شلتون^۱ و فایرستون^۲، ۱۹۸۹ به نقل از لیندسی ۲۰۱۱: ۹).

در حالی که تئوری‌های کارکردگرایی و تضاد در سطح کلان به بررسی تقسیم نقش‌های جنسیتی می‌پردازند، تئوری کنش متقابل نمادین در سطح خرد به بررسی تقسیم



1. Shelton
2. Firestone

نقش‌های جنسیتی می‌پردازد. بر اساس این تئوری رفتار اجتماعی به نقش‌ها و پایگاه‌هایی که مورد پذیرش است، بستگی دارد و رفتار اجتماعی، بر اساس گروهی که فرد بدان تعلق دارد و نهادهایی که در آن ایفای وظیفه می‌کند، شکل می‌گیرد. در این دیدگاه نماد محور کنش‌هاست، بنابراین همه کنش‌های متقابل میان افراد انسانی متضمن تبادل نمادهاست و هنگامی که افراد در کنش متقابل با دیگران قرار می‌گیرند، به‌طور مداوم در جستجوی سرخ‌هایی هستند، برای اینکه چه نوع رفتاری در آن زمینه مناسب است و اینکه چگونه آن‌چه را که منظور دیگران است تعبیر کنند (گیدنز، ۱۳۷۸). بر اساس این رویکرد رفتارهای جنسیتی به شکل عینی در جامعه وجود ندارد و ماحصل ساختارهای اجتماعی است که ویژگی‌های رفتاری را به زنان و مردانه تقسیم می‌کند. دنزین^۱ (۲۰۰۸: ۳۰) معتقد است که مفهومی همچون جنسیت را باید به معانی که افراد در ارتباط با یکدیگر ایجاد می‌کنند، ریشه‌یابی کرد. مهم‌ترین مباحث مربوط به نقش‌های جنسیتی در این رویکرد متعلق به دیدگاه اروینگ گافمن است که بهترین روش تحلیل کنش متقابل را در نظر گرفتن در وضعیت صحنه تئاتر می‌داند و بر این اساس معتقد است افراد نقش‌های مختلفی را برای مورد تأیید قرار گرفتن اجرا می‌کنند. گافمن معتقد است برخی از نقش‌ها در این صحنه برای زنان و برخی برای مردان تعریف شده‌اند و همین امر منجر به الگوهای رفتارهای جنسیتی و یا برچسب جنسیتی می‌شود. این الگوها هنگامی که دو جنس از یکدیگر به‌عنوان جنس مخالف یاد می‌کنند، تقویت می‌شود و در نتیجه رفتارها به جای آنکه منجر به تقویت ارتباط دو جنس شود، منجر به جدایی و تفکیک نقش‌های جنسیتی می‌شود (همان).

رویکرد فمینیستی با تأکید بر توانمندسازی و ایجاد فرصت برای زنان به منظور کنترل بر منابع و رشد توانایی‌های فردی در سطح رویکردهای خرد قرار می‌گیرد. در این رویکرد توانمندسازی زنان شامل طیفی از ارتقاء ویژگی‌های فردی زنان تا ایجاد فرصت توسط ساختارهای کلان سیاسی کشور را شامل می‌شود. تقسیم نابرابر منابع و تسلط مردان بر زنان در بسیاری از امور عامل تفاوت‌های جنسیتی در نقش‌ها تأکید می‌شود، به‌عنوان نمونه زنانی که در بخش‌های اداری شاغل هستند برای ارتقاء شغلی نیازمند ایفای نقش‌های جنسیتی متفاوتی هستند که در عین حال در جامعه این نقش‌ها به‌عنوان نقش‌های مردانه برچسب خورده‌اند و فرد به‌دلیل





پیروی کردن از این نقش‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد (لیندسی، ۲۰۱۱: ۱۱). در مجموع با بررسی نظریه‌های مختلف در این بخش می‌توان به این نتیجه رسید که نقش‌های جنسیتی از منظر کارکردگرایی باعث ایجاد تعادل در ساختار اجتماعی می‌شود که در این رویکرد بر ایجاد تعادل در خانواده و تقسیم نقش‌های جنسیتی در آن بین زن و مرد اشاره می‌شود. بر اساس رویکرد تضاد نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه حاصل تعارض طبقات اجتماعی و تسلط مردان بر زنان و نادیده گرفتن ارزش کار خانگی زنان است. این تضاد در جوامعی که سطح تحصیلات زنان ارتقاء یافته و امکان حضور در موقعیت‌های اجتماعی همچون اشتغال و مدیریت را دارند، شدت بیشتری دارد. از دیدگاه کنش متقابل نمادین نقش‌ها بر اساس نمادهای تبادل شده در کنش‌ها و به منظور مورد تأیید قرار گرفتن در نگاه دیگران شکل می‌گیرد و برچسب زدن برخی رفتارها به جنس مخالف باعث تقویت نقش‌های جنسیتی می‌شود. به‌عنوان مثال حضور زنان در مشاغل صنعتی و فنی به‌عنوان رفتاری مردانه برچسب می‌خورد و زنان شاغل در این حوزه کمتر مورد تأیید جامعه قرار می‌گیرند. این امر در جوامعی که هنجارها و سنت‌ها تسلط بیشتری دارند منجر به تقسیم و تفاوت بیشتر بین نقش‌های جنسیتی می‌شود. در رویکرد فمینیستی نقش‌های جنسیتی ناشی از دسترسی نابرابر به منابع و فرصت‌هاست و توانمندسازی بهترین شیوه ارتقاء مشارکت زنان در امور اجتماعی و اقتصادی و منجر به کنترل بیشتر زنان بر منابع محدود و در نتیجه برابری در نقش‌های جنسیتی خواهد شد.

پیشینه تجربی

نقش‌های زنان و مردان بر اساس جنسیت به دو گروه نقش‌های سنتی و نقش‌های برابر تقسیم می‌شوند، بر این اساس نقش‌های سنتی زنان شامل نگهداری از فرزندان، رسیدگی به امور منزل و عدم مشارکت در امور خارج از منزل و نقش‌های سنتی مردان شامل نقش اقتصادی و نان‌آوری در خانواده است. در حالی که در رویکرد برابری نقش‌ها هر دو جنس در انجام وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی، تخصصی، اجتماعی و آموزشی از سهم برابر برخوردارند (آکین^۱ و دمیرل^۲، ۲۰۰۳؛ دوکمن^۳، ۲۰۰۴). پژوهش‌های پیشین عمدتاً در این نتیجه وجه اشتراک دارند که در مقایسه با مردان، زنان نگرش لیبرال‌تری به

1. Akin
2. Demirel
3. Dökmen

نقش‌های جنسیتی دارند و تحولات نگرشی در بین زنان با سرعت بیشتری رخ می‌دهد (تورنتون^۱ و دی مارکو^۲، ۲۰۰۱؛ ریدوی^۳، ۱۹۹۷). چنانچه در گذار این تحولات نگرشی، نگرشی، زنان به‌شکل وسیعی در نقش‌های سنتی مردان همچون کار خارج از منزل مشارکت بیشتری داشته‌اند، ولی مردان هنوز در نقش‌های سنتی زنان همچون فرزندپروری و انجام امور منزل مشارکت کم‌تری دارند (رید^۴، ۲۰۰۳). به‌عنوان نمونه لوسیرگری^۵ و بیدر^۶ (۲۰۱۱) در بررسی نگرش به نقش‌های خانوادگی و ازدواج دریافتند طی ۲۰ سال گذشته نگرش نسبت به این نقش‌ها لیبرال‌تر شده است و میسون^۷ و لو^۸ (۱۹۸۸) در بررسی نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین شهروندان آمریکایی طی سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۵ دریافتند که نگرش نسبت به نقش‌های مادری و همسری در بین مردان و زنان لیبرال‌تر شده و این امر در بین گروه‌های دارای تحصیلات بالا رشد بیشتری داشته، علاوه بر این در بیشتر جمعیت مورد مطالعه نگرش لیبرال وجود داشته، هر چند این نسبت در بین زنان بیشتر از مردان بوده است. بنابراین عواملی همچون تحصیلات و کسب شغل در ایجاد تحول در نگرش به نقش‌های جنسیتی نقش مؤثری دارند. به‌عنوان نمونه در بررسی تأثیر دوران تحصیلات دانشگاهی، بریانت^۹ (۲۰۰۳) در بررسی طولی خود در بین دانشجویان دریافت که در طول دوران تحصیل نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین مردان و زنان دانشجو دچار تحول می‌شود و این در حالی است که شدت این تغییرات در بین زنان بیشتر از مردان است.

علاوه بر این گلدبرگ^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی تحولات نقش‌های جنسیتی در بین دانشجویان دریافتند که نگرش به نقش‌های اقتصادی و خانوادگی تغییر یافته و در بین دانشجویان دختر، اشتغال مادران نقش مؤثری در تحولات نگرشی آنها نسبت به نقش‌های سنتی داشته است. تحولات در نگرش به نقش‌های جنسیتی تأثیرات متفاوتی در ابعاد

1. Thornton
2. Dimarco
3. Ridgeway
4. Read
5. Lucier-Greer
6. Baeder
7. Mason
8. Lu
9. Bryant
10. Goldberg





مختلف زندگی همچون فرزندآوری و تقسیم جنسیتی وظایف در منزل دارد. کافمن^۱ (۲۰۰۰) در بررسی نقش‌های جنسیتی به این نتیجه رسید که زنان در مقایسه با مردان نگرش لیبرال‌تری به نقش‌های جنسیتی دارند و در عین حال زنانی که دیدگاه لیبرال دارند نسبت به زنان سنتی، تمایل کم‌تری به فرزندآوری داشته و داشتن تنها یک فرزند را ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، نتایج بیانگر این بود مردان دارای نگرش لیبرال تمایل بیشتری به داشتن یک فرزند و در عین حال در مقایسه با مردان سنتی تمایل کم‌تری به طلاق داشتند. فورتن^۲ (۲۰۰۵) در بررسی تأثیر نگرش به نقش‌های جنسیتی بر مشارکت اقتصادی زنان در ۲۵ کشور عضو همکاری‌های اقتصادی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۹ دریافت که نگرش سنتی نسبت به نقش‌های جنسیتی عامل کاهش مشارکت اقتصادی زنان و افزایش شکاف جنسیتی در اقتصاد است. نکته مهم این یافته این بود که طی این سال‌ها نگرش به نقش سنتی خانه‌داری زنان و ارتباط آن با میزان مذهبی بودن تغییر کمی یافته بود. علاوه بر این تعارضات درونی زنان در رابطه با ایفای نقش‌های خارج از منزل و تأثیر منفی آن بر کودکان و احساس گناه کاری مادران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع مشارکت اقتصادی زنان مطرح شد (فورتن، ۲۰۰۵). همچنین تأثیر مذهب بر نگرش به نقش‌های جنسیتی نیز مورد توجه محققان قرار گرفته است، به‌عنوان نمونه مورگان^۳ (۱۹۸۷) در بررسی عوامل مؤثر بر نگرش به نقش‌های جنسیتی به این نتیجه رسید که مذهب یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به نقش‌های جنسیتی است. رید (۲۰۰۳) در بررسی مقایسه‌ای بین زنان مسیحی و زنان مسلمان در آمریکا نشان داد که قومیت و مذهب یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به نقش‌های جنسیتی است. علاوه بر این بتنکورت^۴ و همکاران (۲۰۱۱) در بررسی مقایسه‌ای نگرش نسل جدید و نسل قدیم نسبت به نقش‌های جنسیتی دریافتند که نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسل جدید لیبرال‌تر شده است. جالب‌تر آنکه نتایج مطالعه بتنکورت و همکاران (۲۰۱۱) بیانگر این بود که در نسل جدید، نگرش سیاسی مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده نگرش به نقش‌های جنسیتی است، در حالی که در نسل قدیم مذهب و نگرش سیاسی مهم‌ترین عامل هستند. علاوه بر این

1. Kaufman
2. Fortin
3. Morgan
4. Bettencourt

تحولات نگرش به نقش‌های جنسیتی دارای اثرات مثبتی است که از جمله منجر به کاهش تبعیض جنسیتی در محیط اقتصادی و کاهش خشونت‌ها و ارتقاء مشارکت سیاسی می‌شود. به‌عنوان مثال بوکانان^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه خود به این نتیجه رسید افرادی که دیدگاه لیبرالی به نقش‌های جنسیتی دارند نسبت به برابری دستمزد و مزایای زنان در محیط شغلی نیز نگرش مثبتی دارند.

بررسی نتایج حاصل از مطالعات انجام شده در ایران بیانگر این است که تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی وجود دارد و بر ابعاد مختلف فردی و اجتماعی تأثیر دارد. به‌عنوان نمونه نتایج حاصل از مطالعه‌ی ظهره‌وند (۱۳۸۳) در بررسی رابطه‌ی ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس در بین دانش‌آموزان دبیرستانی نشان داد که باورهای جنسیتی دختران و پسران جوان تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارد، به‌طوری‌که باورهای جنسیتی پسران در مقایسه با دختران غیر کلیشه‌ای‌تر است. دختران بیش از پسران آرزو دارند که در صورت تولد دوباره، جنس دیگری داشته باشند و بنابراین دختران کمتر از پسران از جنس خود رضایت دارند. ظهره‌وند چنین نتیجه می‌گیرد که دختران در صورت مشارکت در نقش‌ها و رفتارهای فعال و اجتماعی و پسران در صورت داشتن صفات و رفتارهای عاطفی مورد انتقاد قرار می‌گیرند و بر این اساس به نظر می‌رسد که کلیشه‌های جنسیتی همچنان در جامعه اعمال می‌شود و هرگونه فاصله‌گیری از این کلیشه‌ها نوعی ناهنجاری تلقی می‌شود. به منظور بررسی تأثیر تحولات نگرش به نقش‌های جنسیتی، فروتن (۱۳۹۰) به بررسی شکاف نسلی مرتبط با نقش‌های جنسیتی و تحولات جمعیتی در ایران بر اساس تجزیه و تحلیل روند تحولات دموگرافیک معطوف به وضعیت زنان و دختران و نقش‌های جنسیتی طی دهه‌های گذشته شامل ابعاد متعدد شکل‌بندی خانواده از قبیل الگوهای ازدواج دختران، باروری و اشتغال زنان پرداخته است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهند که عمق و دامنه گسترده‌ی تحولات دموگرافیک و تغییرات فرهنگی اجتماعی در زمینه وضعیت زنان و نقش‌های جنسیتی طی دهه‌های اخیر سبب پیدایش شکاف نسلی بزرگی شده است که نسل معاصر دختران را به وضوح از زنان و مادران متعلق به نسل‌های پیشین متمایز می‌سازد. فروتن (۱۳۹۰) افزایش چشمگیر میزان سواد به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی دختران را به‌عنوان عامل مهمی که در تغییر الگوهای سنتی ازدواج، باروری و



1. Buchanan



اشتغال زنان نقش داشته مورد تأکید قرار داده و معتقد است مجموعه این تغییرات سبب می شود تا شکاف نسلی نیز رفته رفته بیشتر نمایان گردد. در همین ارتباط احتشامزاده (۱۳۸۹) تأثیر تحول نقش های جنسیتی زنان را بر سلامت خانواده مورد بررسی قرار داد و در مرور پژوهش های پیشین در زمینه تحول نقش های جنسیتی به این نتیجه رسید که تحول نقش در زنان، در کنار دستاوردهای مثبتی چون گسترش نسبی حقوق اجتماعی، افزایش قدرت اقتصادی و سطح تحصیلات آنان، کاهش خشونت خانگی نسبت به زن و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در زنان، منجر به پیامدهای منفی مانند کاهش حضور زوجین در کنار هم در خانه، افزایش نزاع بر سر قدرت بین زوجین، افزایش رفتار جنسی پرخطر و تا حدودی بالارفتن سن ازدواج شده است. احتشامزاده (۱۳۸۹) معتقد است به منظور کاهش این آسیب ها فرهنگ سازی و به کارگیری جدی فرامین اصیل اسلامی در مورد نقش های جنسیتی، تغییر باورهای سنتی نامطلوب در مورد زنان، افزایش سطح تحصیلات آنان، دقت نظر زنان در تنظیم برنامه شغلی به گونه ای که به وظیفه خطیر مادری آنها لطمه نزند، حمایت بیشتر مردان از همسران شاغل خود، و به طور کلی میانه روی در تغییر نقش های جنسیتی، می تواند به عنوان راه کارهایی برای کاهش اثرات منفی تحول نقش های جنسیتی و در نتیجه حفظ سلامت خانواده در نظر گرفته شوند.

از سوی دیگر با توجه به بافت مذهبی جامعه ایران مطالعاتی هم به بررسی تأثیر تحولات نگرش به نقش های جنسیتی بر ابعاد مختلف زندگی فرد با بررسی عواملی همچون دین داری و یا موفقیت تحصیلی پرداخته اند که به عنوان مثال سروش و بحرانی (۱۳۹۲) رابطه دینداری، نگرش به نقش های جنسیتی و نگرش به تعداد فرزندان را مورد بررسی قرار دادند و نتایج حاصل از این بررسی بیانگر این است که دین داری سهم ناچیزی در تعیین تعداد فرزندان دارد، ولی تحصیلات و نگرش به نقش های جنسیتی نقش تعیین کننده ای در تعداد فرزندان ایده آل دارد. عبدی و همکاران (۱۳۸۴) به بررسی رابطه بین جنس و نقش های جنسیتی با ترس از موفقیت در دانشجویان پرداختند و نتایج بیانگر این بود که دانشجویان دارای نقش های دو جنسیتی و مردانه، ترس از موفقیت کمتر و دانشجویان دارای نقش های جنسیتی زنانه و نامتمایز ترس از موفقیت بیشتری دارند. بررسی پیشینه پژوهشی بیانگر این است که نگرش به نقش های جنسیتی دچار تحول شده است و این امر نه تنها بر ابعاد زندگی فردی بلکه بر زندگی اجتماعی و خانوادگی نیز تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تهران و دانشگاه کردستان تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه گردید و به منظور افزایش دقت نمونه‌گیری ۴۵۰ پرسش‌نامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی توزیع شد و در نهایت از مجموع ۴۵۰ نفر گروه نمونه، داده‌های مربوط به ۴۰۰ نفر آزمودنی تحلیل و بقیه به علت ناقص بودن مشخصات و یا عدم پاسخ‌گویی به همه سؤالات از محاسبه خارج و کنار گذاشته شدند. جامعه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ نفر مرد (۵۰٪) و ۲۰۰ نفر زن (۵۰٪)، با میانگین سنی ۲۳ سال در دامنه سنی ۱۸ تا ۳۲ سال بودند. همچنین از کل نمونه ۸۵ درصد در مقطع کارشناسی و ۱۲ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳ درصد در مقطع دکترا در حال تحصیل بودند. از کل نمونه ۲۸ درصد در رشته فنی و مهندسی، ۱۵ درصد در رشته علوم پایه و ۵۷ درصد در رشته علوم انسانی در حال تحصیل بودند. از نظر محل تولد ۷۸ درصد پاسخ‌گویان متولد نقاط شهری و ۲۲ درصد متولد نقاط روستایی بودند. از نظر قومیت پاسخ‌گویان نیز ۳۴ درصد فارس، ۴۰ درصد کرد، ۱۰ درصد ترک، ۱۰ درصد لر و ۶ درصد متعلق به دیگر قومیت‌ها (عرب، بلوچ، لک و...) بودند. از مجموع پاسخ‌گویان ۷۰ درصد مذهب شیعه و ۳۰ درصد مذهب سنی داشتند.

ابزار سنجش

پژوهش‌های فراوانی در زمینه بررسی نگرش به نقش‌های جنسیتی در چند دهه اخیر انجام گرفته که بر اساس اهداف مطالعه متمرکز بر گروه‌های جمعیتی مختلفی مانند قومیت‌ها، گروه‌های شغلی و جنسیتی بوده که در نتیجه آن سنجش‌های مختلفی طراحی و استاندارد شده است. از عمده‌ترین سنجش‌های طراحی شده می‌توان به سنجش نگرش به نقش‌های زنان که توسط اسپنس^۱ و هلمریچ^۲ (۱۹۷۲)؛ سنجش نقش‌های جنسیتی مساوات‌گرایانه بری^۳ و همکاران (۱۹۸۴)؛ سنجش نقش‌های جنسیتی مساوات‌گرایانه سوزوکی^۴ (۱۹۹۴) و بیره^۵ و همکاران (۱۹۸۴)، و سنجش

1. Spence
2. Helmreich
3. Beere
4. Suzuki
5. Beere





نقش‌های نوگرایانه کمپبل^۱ (۱۹۹۷) اشاره نمود. وجه مشترک اکثر سنجه‌ها این است که بیشتر در کشورهای توسعه یافته و مبتنی بر فرهنگ جوامع غربی طراحی شده‌اند که در نتیجه با برخی ویژگی‌های فرهنگی کشورهای دیگر تناسب ندارند. به‌عنوان نمونه نقش‌های جنسیتی و انتظارات از زنان در کشور آمریکا و یا سوئیس با نقش‌های جنسیتی در هند، پاکستان، ایران و عربستان متفاوت است. بر این اساس خلید^۲ و فریزی^۳ در سال ۲۰۰۴ سنجه‌ای را بر اساس ویژگی‌های جامعه پاکستان که دارای اکثریت مسلمان است معرفی نمودند. این سنجه مبتنی بر سنجه معروف نگرش به نقش‌های جنسیتی زنان اسپنس و هلمریچ (۱۹۷۲) است که گزینه‌های جدیدی بر اساس انتظارات نقشی زنان در جوامع اسلامی به آن اضافه شده است.

در سنجه طراحی شده خلید و فریزی (۲۰۰۴) گویه‌های عمومی که شامل ۹ گویه است از سنجه‌های عمومی نقش‌های جنسیتی استخراج و سپس ۲۱ گزینه دیگر توسط محققین و پس از بررسی منابع مختلف بر اساس انتظارات نقش در جامعه اسلامی به آن اضافه شده است. گویه‌ها بر روی یک طیف پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار دارند. خلید و فریزی این سنجه را در دو نمونه آماری مورد مطالعه قرار دادند که گروه اول شامل ۱۹۵ زن پاکستانی بود و نمونه دوم شامل ۱۴۰ زن پاکستانی مهاجر در آمریکا بود. نتایج حاصل از مطالعه بیانگر تفاوت معنادار بین نگرش‌های محافظه‌کارانه و لیبرال به نقش‌های جنسیتی در بین مردان و زنان بود. در مطالعه دیگری در زمینه طراحی سنجه با توجه به فرهنگ اسلامی جامعه می‌توان به سنجه زینی اوغلو^۴ و ترزی اوغلو^۵ (۲۰۱۱) که در کشور ترکیه انجام شده است، اشاره نمود. سنجه طراحی شده شامل ۳۸ گزینه بر طیف پنج‌گزینه‌ای مشتمل بر پنج بعد نقش‌های جنسیتی برابر، نقش‌های زنانه، نقش‌های مرتبط با ازدواج، نقش‌های سنتی و نقش‌های مردانه بود. اگرچه سنجه مورد نظر در بین ۵۰۰ دانشجوی در دانشگاه‌های ترکیه صورت گرفته، اما مقاله منتشر شده تنها به ارائه گزارش درباره‌ی روایی و پایایی سنجه محدود شده است.

در مطالعه حاضر از سنجه خلید و فریزی (۲۰۰۴) به منظور بررسی نگرش به نقش‌های جنسیتی استفاده شده است. به این ترتیب که از مجموع ۳۰ گزینه در سنجه خلید و فریزی، ابتدا

1. Campbell
2. Khalid
3. Frieze
4. Zeyneloglu
5. Terzioglu

سؤال‌هایی که ویژه جامعه پاکستان بودند و در بخش دوم سؤال‌هایی که از مقادیر آلفای کمتری در پیش‌آزمون برخوردار بودند حذف شدند که در مجموع شش سؤال حذف شدند و ۲۴ گزینه باقی‌مانده مورد سنجش قرار گرفت. در این سنجش پنج بُعد کلی شامل خانواده و ازدواج، اشتغال، تحصیل، رفتاری-شخصیتی و حقوقی-اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

در سنجش بُعد خانواده و ازدواج از گویه‌هایی مانند «زن و مرد هر دو باید به صورت برابر از حق طلاق برخوردار باشند، زنان باید فقط بر درست انجام‌دادن وظایف زناشویی و مادرانه خود متمرکز باشند، در امر ازدواج، رضایت زن هم باید به اندازه رضایت مرد وجود داشته باشد، مرد باید در همه تصمیم‌گیری‌ها با همسرش مشورت کند، مرد نباید در کارهایی که وظیفه زن است کمک کند» استفاده شده است. در بُعد اشتغال از گویه‌هایی مانند «زنان باید نقش بیشتری در مسئولیت‌های دولتی داشته باشند، زنان نباید مانند مردان از فرصت‌های شغلی برابر برخوردار باشند، زنان نباید از همه امتیازها و فرصت‌های مرتبط با تحصیل و اشتغال برخوردار باشند» استفاده شده است. در بُعد تحصیل از گویه‌هایی مانند «در خانواده، فرزند پسر باید از امتیازات و ارجحیت بیشتری برای ادامه تحصیل برخوردار باشد، زنان فقط باید در رشته‌هایی که آنان را به‌عنوان همسران، مادران و زنان خوب برای خانواده تربیت می‌کند، تحصیل کنند» استفاده شده است. بُعد رفتاری-شخصیتی با گویه‌هایی مانند «گفتن جوک‌های زشت و رکیک ویژگی مردانه است تا زنانه، این خیلی مسخره است که یک زن راننده کامیون باشد و یا مرد گل‌دوزی کند، زنان از توان فکری و هوشی کمتری نسبت به مردان برخوردارند» مورد سنجش قرار گرفته است. بُعد حقوقی-اجتماعی با گویه‌هایی مانند «مذهب و عرف باید دیدگاه برابری نسبت به مردان و زنان داشته باشند، زن و مرد باید از سهم ارث برابر برخوردار باشند، زنان نباید انتظار داشته باشند که اندازه مردان از آزادی و امنیت در محیط‌های مختلف بهره‌مند باشند» مورد سنجش قرار گرفته است. گزینه‌ها بر یک طیف پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم قرار دارند که بالاترین امتیاز بیانگر دیدگاه لیبرال و کمترین امتیاز بیانگر دیدگاه سنتی و محافظه‌کار به نقش‌های جنسیتی است.

در این مطالعه افرادی که در نقش‌های جنسیتی رویکردی مساوات‌طلبانه دارند تحت عنوان نگرش لیبرال^۱ به نقش‌های جنسیتی تقسیم‌بندی می‌شوند و در مقابل افرادی که بر



تفکیک کامل نقش‌ها تأکید دارند، دارای رویکرد سنتی و محافظه‌کار^۱ و افراد دارای نگرش‌های میانه که بر تفکیک در برخی نقش‌ها معتقدند دارای نگرش حرفه‌ای^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند. بررسی مقدار آلفای محاسبه شده برای کل سنجه مورد بررسی برابر با ۰/۹۱۶ و برای بُعد خانواده و ازدواج برابر با ۰/۸۴، اشتغال برابر با ۰/۸۱، برای تحصیل برابر با ۰/۷، در بُعد رفتاری - شخصیتی برابر با ۰/۷۱ و بُعد حقوقی - اجتماعی دارای آلفای ۰/۷۷ است.

تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها، بر اساس هدف مطالعه ابتدا توصیف یافته‌ها در بین پاسخ‌گویان با استفاده از آماره‌های توصیفی صورت پذیرفت و سپس برای بررسی تفاوت‌های میانگین در بین پاسخ‌گویان بر اساس جنس، قومیت، محل تحصیل، وضعیت تأهل و محل تولد از آزمون تفاوت میانگین‌ها استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این مطالعه نگرش دانشجویان به نقش‌های جنسیتی با ۲۴ گزینه مورد سنجش قرار گرفت که امتیاز بیشتر بیانگر دیدگاه لیبرال نسبت به نقش‌های جنسیتی و امتیاز پایین بیانگر دیدگاه سنتی است. نتایج بررسی نگرش دانشجویان به نقش‌های جنسیتی در جدول شماره (۱) نشان می‌دهد که بیشترین درصد دانشجویان (۶۴/۸) دارای نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی هستند، بدان معنا که طرفدار برابری زنان و مردان هستند. ۳۴/۵ درصد پاسخ‌گویان دارای دیدگاه حرفه‌ای و میانه هستند که در برخی امور برابری را می‌پذیرند و در برخی دیگر مخالف هستند و سرانجام آنکه کمتر از یک درصد پاسخ‌گویان دارای دیدگاه‌های سنتی در زمینه نقش‌های سنتی هستند.

جدول ۱. توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر اساس نگرش پاسخ‌گویان به نقش‌های جنسیتی

| متغیرها | فراوانی | درصد |
|------------------------|---------|------|
| نگرش لیبرال | ۲۵۹ | ۶۴/۸ |
| نگرش حرفه‌ای و میانه | ۱۳۸ | ۳۴/۵ |
| نگرش سنتی (محافظه‌کار) | ۳ | ۰/۸ |
| جمع کل | ۴۰۰ | ۱۰۰ |

1. conservative
2. egalitarian



بررسی نتایج مقایسه میانگین‌ها (جدول شماره ۲) بر اساس جنسیت نشان می‌دهد که بین مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد، چنانچه مردان دیدگاه سنتی و زنان نگرش‌های لیبرال‌تری به نقش‌های جنسیتی دارند. این یافته‌ها با نتایج تورنتون و دی‌مارکو (۲۰۰۱)، بریانت (۲۰۰۳) و ریدوی (۱۹۹۷) که تأکید دارند زنان دیدگاه لیبرال‌تری به نقش‌های جنسیتی دارند، هم‌خوانی دارد. علاوه بر این نتایج نشان می‌دهد که بین نگرش متولدین شهر و روستا نیز تفاوت معناداری وجود دارد، بدین معنا که متولدین شهر دیدگاه لیبرال‌تر و متولدین روستا دیدگاه سنتی‌تری به نقش‌های جنسیتی دارند. بررسی مقایسه میانگین‌ها نشان داد نگرش به نقش‌های جنسیتی بین افراد مجرد و متأهل تفاوت معناداری ندارد و نگرش هر دو به نقش‌های جنسیتی در سطح لیبرال است.

جدول ۲. تفاوت میانگین نگرش به نقش‌های جنسیتی بر اساس جنس، محل تولد و وضعیت تأهل

| سطح معناداری | سطح | میانگین | متغیرها | |
|--------------|---------|---------|---------|------------|
| ۰/۰۰۰ | حرفه‌ای | ۷۹/۷ | مرد | جنسیت |
| | لیبرال | ۹۸/۵۱ | زن | |
| ۰/۰۰ | لیبرال | ۹۰/۵ | شهر | محل تولد |
| | حرفه‌ای | ۸۴/۹۶ | روستا | |
| ۰/۸۹ | لیبرال | ۸۹/۳۳ | مجرد | وضعیت تأهل |
| | لیبرال | ۸۸/۸۵ | متأهل | |

برای بررسی دقیق‌تر نگرش به نقش‌های جنسیتی ابعاد مختلف نگرش به نقش‌های جنسیتی مورد بررسی قرار گرفت. گزینه‌های مورد سنجش شامل پنج بُعد اصلی خانواده و ازدواج، اشتغال، تحصیل، رفتاری و شخصیتی و حقوقی و اجتماعی است. بررسی نتایج در جدول شماره (۳) بیانگر این است که نگرش پاسخ‌گویان به نقش‌های جنسیتی در حوزه خانواده و ازدواج در سطح لیبرال قرار دارد. برخی از گویه‌های مطرح شده در این بُعد شامل «زنان باید فقط بر درست‌انجام‌دادن وظایف زناشویی و مادرانه خود متمرکز باشند»، «در امر ازدواج، رضایت زن هم باید به اندازه رضایت مرد وجود داشته باشد» و یا «زنان در هنگام ازدواج باید از حقوق کامل در تعیین شروط ضمن عقد (حق طلاق، حق اشتغال، حق مسکن) برخوردار باشند»، «مرد نباید در کارهایی که وظایف زن است کمک کند» است





که میانگین حاصل بیانگر این است که پاسخ‌گویان نگرش لیبرال نسبت به نقش‌های جنسیتی مرتبط با خانواده و ازدواج دارند.

بررسی بُعد اشتغال که با سنجه‌هایی مانند «زنان باید نقش بیشتری در مسئولیت‌های دولتی داشته باشند» و یا «زنان باید مانند مردان از فرصت‌های شغلی برابر برخوردار باشند» مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصل بیانگر این است که نگرش پاسخ‌گویان در این بُعد در سطح حرفه‌ای قرار دارد و این بدان معناست که پاسخ‌گویان تا حدودی موافق برابری فرصت‌های اشتغال بین زنان و مردان هستند. بررسی نگرش پاسخ‌گویان به بُعد سوم که تحصیل است بیانگر این است که نگرش پاسخ‌گویان در این بُعد لیبرال است و اکثراً معتقدند که زنان و مردان حق برابر در کسب مدارج تحصیلی دارند.

بُعد چهارم در این مطالعه رفتاری و شخصیتی است که با برخی گویه‌ها همچون «با صدای بلند صحبت کردن و استفاده از الفاظ رکیک همان‌قدر که برای زن زشت است برای مرد هم زشت است»، «زنان از توان فکری و هوشی کمتری نسبت به مردان برخوردارند» مورد سنجش قرار گرفته و نتایج حاصل بیانگر این است که نگرش کل جامعه در سطح حرفه‌ای قرار دارد و برخی معتقدند که بین زن و مرد در برخی ویژگی‌های رفتاری و توانایی‌های فردی و شخصیتی تفاوت معناداری وجود دارد و برخی از ویژگی‌ها برای مردان مناسب و برای زنان تناسب چندانی ندارد.

جدول ۳. بررسی میانگین ابعاد نقش‌های جنسیتی

| ابعاد نقش‌های جنسیتی | میانگین | حداکثر دامنه | نگرش |
|----------------------|---------|--------------|---------|
| خانواده و ازدواج | ۳۸/۳۵ | ۵۰ | لیبرال |
| اشتغال | ۱۰/۵۶ | ۱۵ | حرفه‌ای |
| تحصیل | ۷/۶۲ | ۱۰ | لیبرال |
| رفتاری و شخصیتی | ۱۴/۵۹ | ۲۰ | حرفه‌ای |
| حقوقی و اجتماعی | ۱۸/۱۶ | ۲۵ | حرفه‌ای |

بُعد پنجم در این مطالعه نگرش به مسائل حقوقی و اجتماعی است که با گویه‌هایی مانند «مردان و زنان باید از جایگاه برابری در جامعه برخوردار باشند»، «زنان نباید انتظار داشته باشند که اندازه مردان از آزادی و امنیت در محیط‌های مختلف بهره‌مند باشند» مورد

سنجش قرار گرفته و نتایج حاصل بیانگر این است که پاسخ گویان، نگرش حرفه‌ای نسبت به این بُعد دارند. بررسی تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به این نقش‌ها بیانگر این است که در همه ابعاد بین دو جنس تفاوت معناداری وجود دارد و مردان دارای دیدگاه حرفه‌ای و زنان دیدگاه لیبرال دارند. بنابراین در مجموع در دو بخش تحصیل و ازدواج و خانواده نگرش‌ها لیبرال و مساوات‌طلبانه است و در سه بُعد اشتغال، رفتاری - شخصیتی و حقوقی - اجتماعی رویکردها هنوز شکلی حرفه‌ای و میانه دارد. مردان در همه ابعاد دیدگاه سنتی‌تر و زنان دیدگاه لیبرال و مساوات‌طلبانه‌تری به نقش‌ها دارند.

جدول ۴. تفاوت میانگین ابعاد نگرش به نقش‌های جنسیتی براساس جنس

| ابعاد | میانگین | سطح نگرش | سطح معناداری |
|------------------|---------|----------|--------------|
| خانواده و ازدواج | مرد | حرفه‌ای | ۰/۰۰۰ |
| | زن | لیبرال | ۰/۰۰۰ |
| اشتغال | مرد | حرفه‌ای | ۰/۰۰۰ |
| | زن | لیبرال | ۰/۰۰۰ |
| تحصیل | مرد | حرفه‌ای | ۰/۰۰ |
| | زن | لیبرال | ۰/۰۰ |
| رفتاری و شخصیتی | مرد | حرفه‌ای | ۰/۰۰۰ |
| | زن | لیبرال | ۰/۰۰۰ |
| حقوقی و اجتماعی | مرد | حرفه‌ای | ۰/۰۰۰ |
| | زن | لیبرال | ۰/۰۰۰ |

علاوه بر این نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین پاسخ‌گویان بر اساس قومیت نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از بررسی تفاوت‌های جنسیتی بیانگر این است که در بین قومیت فارس و لر تفاوت معناداری در نگرش به نقش‌های جنسیتی وجود دارد، به‌صورتی که مردان دارای نگرش حرفه‌ای و زنان نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی هستند. در بین قومیت کرد تفاوت معناداری بین دو جنس وجود ندارد و نکته مهم آنکه هم مردان و زنان دارای نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی هستند. بررسی نگرش در بین قومیت ترک نیز بیانگر این است که بین دو جنس تفاوت معناداری بین نگرش‌ها وجود ندارد و این در حالی است که هر دو جنس دارای نگرش حرفه‌ای به نقش‌های جنسیتی هستند.



جدول ۵. تفاوت میانگین ابعاد نگرش به نقش‌های جنسیتی بر اساس جنس و قومیت

| ابعاد | میانگین | مقدار t | سطح نگرش | سطح معناداری |
|-------|---------|---------|----------------|--------------|
| فارس | مرد | -۵/۳۷ | حرفه‌ای | ۰/۰۰۰ |
| | زن | | لیبرال | |
| ترک | مرد | -۱/۲۳ | حرفه‌ای | ۰/۲۲۷ |
| | زن | | حرفه‌ای-لیبرال | |
| کرد | مرد | -۰/۸۶ | لیبرال | ۰/۳۹۶ |
| | زن | | لیبرال | |
| لر | مرد | -۳/۵۷ | حرفه‌ای | ۰/۰۰۲ |
| | زن | | لیبرال | |

بررسی نتایج حاصل از مقایسه جنسیتی نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین قومیت‌های مختلف بیانگر این است که در قومیت فارس و لر نگرش به نقش‌های جنسیتی تفاوت معناداری دارد، بدین ترتیب که مردان نگرش حرفه‌ای و سستی تری به نقش‌ها و زنان نگرش لیبرال دارند. اما در قومیت ترک و کرد بین زنان و مردان تفاوت نگرشی وجود ندارد، با این تفاوت که در قومیت ترک هر دو جنس نگرش حرفه‌ای به نقش‌های جنسیتی دارند و بنابراین بر تقسیم جنسیتی نقش‌ها تأکید دارند، ولی در قومیت کرد هر دو جنس نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی دارند و در نتیجه به مساوات و برابری در نقش‌های جنسیتی معتقدند. یافته‌های خامسه (۱۳۸۶) در بررسی طرح‌واره جنسیتی و قومیت نشان داد که دو قومیت فارس و کرد در نگرش به طرح‌واره‌های جنسیتی تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نگرش به نقش‌های جنسیتی تأثیر مستقیمی بر ابعاد مختلف تجربه زیسته افراد دارد که بارزترین آنها در زندگی روزمره، ازدواج، اشتغال و تحصیل ملاحظه می‌شود (ریدوی، ۱۹۹۷). در پژوهش حاضر تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی بین دانشجویان مورد سنجش و بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که بیشتر پاسخ‌گویان دیدگاه حرفه‌ای و لیبرال نسبت به نقش‌های جنسیتی دارند و این بدان معناست که دیدگاه‌های سستی درباره نقش‌های جنسیتی و آنچه نقش‌های کلیشه‌ای در نظر گرفته



می‌شود کم‌رنگ شده است. بررسی نتایج بیانگر این بود که از مجموع پاسخ‌گویان تنها ۰/۸ درصد دارای دیدگاه سنتی به نقش‌های جنسیتی بودند و در نتیجه اکثریت پاسخ‌گویان دارای نگرش حرفه‌ای و لیبرال به نقش‌های جنسیتی هستند و این به معنای تمایل به برابری بین زن و مرد در ابعاد مختلف زندگی است. یکی از مهم‌ترین دلایل این تحولات نگرشی مرتبط با محیط دانشگاه و تأثیر فرصت‌های تحصیلی است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تغییرات نگرشی در جامعه و فراهم آوردن فرصت حضور در عرصه اجتماعی شناخته می‌شود. رشد تعداد زنان در حال تحصیل در دانشگاه‌های کشور از دهه ۶۰ تاکنون نزدیک ۲۸ برابر بوده است و بدون شک یکی از مهم‌ترین پیامدهای آن تحولات در نگرش به نقش‌های جنسیتی در جامعه است. تحصیل امکان اشتغال در مشاغل تخصصی‌تر را فراهم می‌آورد و در نتیجه زنان در عرصه اقتصاد حضور پررنگ‌تری خواهند داشت. اشتغال تسهیل‌گر حضور زنان در عرصه‌هایی که از نظر سنتی مرتبط با مردان است، شده و همین عامل منجر به تعدیل نگرش‌ها به نقش‌های سنتی است. بریانت (۲۰۰۳) تأکید می‌کند که افزایش تحصیلات و حضور در محیط دانشگاهی یکی از عواملی است که در تحولات نگرش به نقش‌های جنسیتی تأثیر دارد و این تحولات در بین زنان بیشتر از مردان است و همان‌گونه که در نتایج این مطالعه نیز مشاهده شد در مقایسه با مردان، زنان دارای دیدگاه‌های لیبرال‌تری به نقش‌های جنسیتی هستند. علاوه بر این تورنتون و دیماکرو (۲۰۰۱) تأکید می‌کنند، زنان امروزه در عرصه‌هایی که پیش‌تر به‌عنوان نقش‌های سنتی مردان شناخته می‌شده، حضور بیشتری دارند (اشتغال) تا مردان در عرصه نقش‌های سنتی زنان (بچه‌داری، خانه‌داری)؛ و همین بیانگر این است که زنان دیدگاه لیبرال‌تری به نقش‌های جنسیتی دارند. از دیگر نتایج این مطالعه تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به ابعاد مختلف نقش‌های جنسیتی است که بر این اساس مردان دارای دیدگاه‌های حرفه‌ای نسبت به همه ابعاد نقش‌های جنسیتی هستند و این در حالی است که زنان دیدگاه لیبرال به این ابعاد دارند. دیدگاه حرفه‌ای و سنتی مردان به نقش‌های جنسیتی در جامعه ایران که ترکیب قدرت در جامعه به نفع مردان است در رفتارها و تجارب زندگی روزمره تأثیرگذار خواهد بود، بدین شکل که انتظارات نقشی که از زنان وجود دارد در سطح نابرابر با مردان خواهد بود و این در حالی است که زنان در نقش‌های سنتی مردان همچون فعالیت اقتصادی و کمک به نان‌آوری در خانوار مشارکت دارند. این امر باعث تراکم انتظارات نقشی در زنان خواهد شد چرا که مردان در نقش‌های زنانه مشارکت کم‌تری دارند و عملاً زنان علاوه بر انجام





نقش‌های مردانه (اشتغال) باید نقش‌های سنتی خود (فرزندپروری، انجام امور روزانه خانه) را با کیفیت مناسب انجام دهند و در نتیجه زن شاغل دچار تراکم بار نقشی خواهد شد و همین عامل کاهش رضایت از زندگی در او خواهد بود. در سطوح بالاتر اجتماعی نیز نگرش‌های سنتی و حرفه‌ای مردان به نقش‌های جنسیتی در تدوین و تفسیر قوانین، حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیر گذاشته و منجر به باز تولید نابرابری‌ها در ابعاد مختلف زندگی روزمره خواهد شد. خلید و فریزی (۲۰۰۴) معتقدند در جامعه پاکستان که بیشتر مردان جامعه دارای دیدگاه سنتی و حرفه‌ای به نقش‌های جنسیتی هستند، با بسیاری از ناهنجاری‌ها به‌عنوان امر طبیعی برخورد می‌شود، به‌عنوان نمونه کتک خوردن زن از همسر چندان ناشایست تلقی نمی‌شود و این توجیه وجود دارد که مردان به‌دلیل فشارهای زندگی دست به پرخاشگری و خشونت می‌زنند و یا حتی این علامت عشق و علاقه مرد به همسرش است! آنها تأکید می‌کنند این نوع نگرش در قوانین و نحوه اجرایی شدن آن نیز نمود یافته و در نتیجه زنان مجبور به تحمل خشونت‌های خانگی می‌شوند. احتشام‌زاده (۱۳۸۹) تحولات رخ داده در نقش‌های جنسیتی زنان را عامل ارتقاء قدرت اقتصادی زنان، کاهش خشونت‌های خانگی و گسترش نسبی حقوق آنان دانسته و در عین حال تأکید می‌کند این تحولات تعارضاتی را در ساختار خانواده همچون نحوه تقسیم قدرت در خانواده و یا بالا رفتن سن ازدواج ایجاد نموده است. احتشام‌زاده (۱۳۸۹) معتقد است با تغییر باورهای سنتی و کلیشه‌های نامطلوب و ارتقاء دیدگاه مردان نسبت به نقش‌های جنسیتی انسجام خانواده افزایش یافته و زمینه مطلوبی برای کاهش آسیب‌های خانوادگی پدیدار خواهد شد.

نتایج این مطالعه نشان داد که مردان دارای نگرش حرفه‌ای و زنان دارای نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی هستند، این تفاوت بین دو جنس بر نحوه عمل به نقش‌ها و ارزیابی آنها از اجرای نقش تأثیر خواهد داشت و باعث ایجاد تعارض خواهد شد. به‌عنوان نمونه زنان معتقدند در خانواده، مردان نیز در اجرای نقش‌های سنتی مانند فرزندپروری و خانه‌داری باید مشارکت داشته باشند و یا این که مرد در تصمیم‌گیری‌ها باید با همسرش مشورت کند و این در حالی است که مردان با دیدگاه حرفه‌ای به نقش‌های جنسیتی معتقدند که ضرورتی ندارد که در همه تصمیم‌گیری‌ها مشورت انجام شود، یا نباید در امور منزل به همسر خود کمک کنند و همین عامل تعارض خواهد شد، زیرا عمل او با انتظارات همسرش هم‌خوانی ندارد. بنابراین تفاوت نگرش منجر به تفاوت در نحوه عمل و ارزیابی از عمل خواهد شد و در بیشتر موارد این عامل بروز تعارض می‌شود. بنابراین به منظور کاهش

این تعارضات باید سطح نگرش مردان نیز ارتقاء یابد و مهم‌ترین راه کار آن توجه بیشتر به آموزه‌های دوران جامعه‌پذیری است و در این مسیر والدین نقش مهمی در آموزش این نگرش‌ها بر عهده دارند.

بررسی نقش قومیت در تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی نتایج موردتوجهی را حاصل آورد. در بررسی چهار قومیت فارس، گُرد، ترک و لُر نتایج نشان داد که در دو قومیت فارس و لُر تفاوت‌های جنسیتی در نگرش به نقش‌های جنسیتی وجود دارد و در هر دو قومیت مردان دیدگاه حرفه‌ای و زنان دیدگاه لیبرال به نقش‌ها دارند. اما نتایج نشان داد در دو قومیت کرد و ترک تفاوت جنسیتی در نگرش به نقش‌ها وجود ندارد و تفاوت مهم بین دو قومیت در نوع نگاه بود. در قومیت ترک نگرش زنان و مردان به نقش‌های جنسیتی حرفه‌ای بود و این بدان معناست که در این قومیت زنان و مردان به تفکیک نقش‌ها و همچنین تفاوت حقوقی، اقتصادی و اجتماعی زن و مرد اعتقاد زیادی وجود دارد و این امر در بین قومیت گُرد متفاوت بود و هر دو جنس نگرش لیبرال به نقش‌های جنسیتی داشتند و این بدان معناست که در این قومیت به برابری زن و مرد در بسیاری از ابعاد زندگی اعتقاد بیشتری وجود دارد. این نتایج بیانگر این است که تحولات نگرشی در بین قومیت‌ها نیز رخ داده و با توجه به محدود بودن جامعه آماری این مطالعه پیشنهاد می‌گردد مطالعات آتی بررسی دقیق‌تر ابعاد نگرش به نقش‌های جنسیتی در بین کلیه اقوام ایرانی را مد نظر قرار دهند.

سخن آخر آنکه نگرش به نقش‌های جنسیتی تأثیر به‌سزایی در زندگی روزمره و تجارب حاصل از آن دارد. نتایج مطالعات مختلف نشان داده نگرش‌های سنتی به نقش‌های جنسیتی منجر به خشونت‌های خانگی، افسردگی و عدم رضایت از ازدواج می‌شود و این در حالی است که افراد دارای دیدگاه‌های حرفه‌ای و لیبرال، خشنودی بیشتری در زندگی و ازدواج دارند (تورنتون و دیماکرو^۱، ۲۰۰۱). علاوه بر این بلی^۲ و تیکامایر^۳ (۱۹۹۵) تأکید می‌کنند نگرش‌های سنتی نسبت به نقش زنان منجر به گسترش نابرابری‌ها در سطوح مختلف تحصیلی و شغلی می‌شود و برعکس هر چه در یک جامعه دیدگاه‌های لیبرال و حرفه‌ای گسترش یابد فرصت‌ها و امکانات بصورت برابرتر تقسیم می‌شوند. بنابراین با

1. DeMarco
2. Blee
3. Tickamyar



تعدیل نگرش به نقش‌های جنسیتی و بهبود باورهای سنتی و کلیشه‌ای بسیاری از تعارضات و ناهم‌خوانی‌ها کاهش یافته و این امر علاوه بر کاهش تبعیض‌های جنسیتی در حوزه‌های مختلف بر کیفیت زندگی فردی، خانوادگی و در سطح کلان رضایت کلی از زندگی تأثیر معناداری خواهد داشت.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۵۶

دوره نهم
شماره ۱
بهار ۱۳۹۵

منابع

احتشام‌زاده پروین (۱۳۸۹). تحول نقش‌های جنسیتی زنان و سلامت روانی خانواده. *زن و فرهنگ*، ۱ (۳)، ۵۱-۶۵.

افروز، غلامعلی (۱۳۸۶). *همسران برتر*. تهران: انجمن اولیا و مربیان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *زن در آیینة جمال و جلال*. قم: اسرا.

خمسه‌ای، اکرم (۱۳۸۵). بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرح‌واره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده. *خانواده پژوهی*، ۲ (۸)، ۳۲۷-۳۳۹.

سروش، مریم؛ بحرانی، شعله (۱۳۹۲). رابطه دین‌داری، نگرش به نقش‌های جنسیتی و نگرش به فرزند با تعداد واقعی و ایده‌آل فرزند. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۱ (۲)، ۱۸۹-۲۰۸.

ظهوروند، راضیه (۱۳۸۳). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی و رضایت از جنس. *پژوهش زنان*، ۲ (۲)، ۱۱۷-۱۲۵.

عبدی، بهشته؛ شهرآرای، مهرناز؛ فراهانی، محمدتقی (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین جنس و نقش‌های جنسیتی با ترس از موفقیت در دانشجویان. *روان‌شناسی*، ۹، ۲۱۴-۱۹۹.

فروتن، یعقوب (۱۳۹۰). بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران. *زن در توسعه و سیاست*، ۹ (۲)، ۳۹-۸۰.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی (چاپ پنجم)*. (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نی، ۷۵۴-۷۵۳.
مرکز آمار ایران، نشریات مرکز آمار ایران (۱۳۹۰).

Akin, A., & Demirel, S. (2003). Concept of gender and its effects on health, *Cumhuriyet Universitesi Tip Fakultesi Dergisi Halk SagligiOzelEki*, 25 (4), 73-82.

Beere, C. A., King, D. W., Beere, D. B., & King, L. A. (1984). The sex-role egalitarianism scale: A measure of attitudes toward equality between the sexes. *Sex Roles*, 10 (7-8), 563-576.

Bettencourt, K. E. F., Vacha-Haase, T., & Byrne, Z. S. (2011). Older and younger adults' attitudes toward feminism: The influence of religiosity, political orientation, gender, education, and family. *Sex Roles*, 64 (11-12), 863-874.

Blee, K. M., & Tickamyer, A. R. (1995). Racial differences in men's attitudes about women's gender roles. *Marriage and the Family*, 21-30.

Bryant, A. N. (2003). Changes in attitudes toward women's roles: Predicting gender-role traditionalism among college students. *Sex Roles*, 48 (3-4), 131-142.



- Buchanan, T. (2014). The influence of gender role attitudes on perceptions of women's work performance and the importance of fair pay. *Sociological Spectrum*, 34 (3), 203-221.
- Campbell, B., Schellenberg, E. G., & Senn, C. Y. (1997). Evaluating measures of contemporary sexism. *Psychology of Women Quarterly*, 21 (1), 89-102.
- Charrad, M. M. (1998). Cultural diversity within Islam: Veils and laws in Tunisia. In H. L. Bodman, & N. Tohidi (eds.), *Women in muslim societies: Diversity within unity* (pp. 63-79). Boulder, CO: Lynne Rienner
- Darling, N., Bogat, G. A., Cavell, T. A., Murphy, S. E., & Sánchez, B. (2006). Gender, ethnicity, development, and risk: Mentoring and the consideration of individual differences. *Journal of Community Psychology*, 34 (6), 765-780.
- Denzin, N. K. (2008). *Symbolic interactionism and cultural studies: The politics of interpretation*. John Wiley & Sons.
- Dökmen, Y.Z. (2004). *Gender social psychological explanations*, Ankara: SistemYayincilik.
- Fortin, N. M. (2005). Gender role attitudes and the labour-market outcomes of women across OECD countries. *Oxford Review of Economic Policy*, 21(3), 416-438.
- Goldberg, W. A., Kelly, E., Matthews, N. L., Kang, H., Li, W., & Sumaroka, M. (2012). The more things change, the more they stay the same: Gender, culture, and college students' views about work and family. *Journal of Social Issues*, 68 (4), 814-837.
- Kaufman, G. (2000). Do gender role attitudes matter? Family formation and dissolution among traditional and egalitarian men and women. *Journal of Family Issues*, 21 (1), 128-144.
- Khalid, R., & Frieze, I. H. (2004). Measuring perceptions of gender roles: The IAWS for Pakistanis and US immigrant populations. *Sex Roles*, 51 (5-6), 293-300.
- Lindsey, L. L., & Christy, S. (2011). *Gender roles: A sociological perspective*. Pearson Prentice Hall.
- Lucier-Greer, M., & Adler-Baeder, F. (2011). An examination of gender role attitude change patterns among continuously married, divorced, and remarried individuals. *Journal of Divorce & Remarriage*, 52 (4), 225-243.
- Mason, K. O., & Lu, Y. H. (1988). Attitudes toward women's familial roles: Changes in the United States, 1977-1985. *Gender & Society*, 2 (1), 39-57.
- Morgan, M. Y. (1987). The impact of religion on gender-role attitudes. *Psychology of Women Quarterly*, 11 (3), 301-310.
- Read, J. N. G. (2003). The sources of gender role attitudes among Christian and Muslim Arab-American women. *Sociology of Religion*, 64 (2), 207-222.
- Ridgeway, C. L. (1997). Interaction and the conservation of gender inequality: Considering employment. *American Sociological Review*, 218-235.



- Smith, C. J., Noll, J. A., & Bryant, J. B. (1999). The effect of social context on gender self-concept. *Sex Roles*, 40 (5-6), 499-512.
- Spence, J. T., & Helmreich, R. (1972). The attitudes toward women scale: An objective instrument to measure the attitudes toward the rights and roles of women in contemporary society. *JSAS: Catalog of Selected Documents in Psychology*, 2, 66-67.
- Suzuki, A. (1991). Egalitarian sex role attitudes: Scale development and comparison of American and Japanese women. *Sex Roles*, 24 (5-6), 245-259.
- Thornton, A., & Young-DeMarco, L. (2001). Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: The 1960s through the 1990s. *Journal of Marriage and Family*, 63 (4), 1009-1037.
- Zeyneloglu, S., & Terzioglu, F. (2011). Development and psychometric properties gender roles attitude scale. *Journal of Education*, 40: 409-420

Report

Breaking through the glass ceiling: Women in management. Report for discussion at the tripartite meeting on breaking through the glass ceiling: Women in management. International Labor Office. Geneva, 1997. ISBN 92-2-110642-X.



فصلنامه علمی- پژوهشی

۵۹

نگرش به نقش‌های
جنسیتی در ...

Gender Role Attitude with an Emphasis on Ethnicity and Gender

Received Date: February 21, 2015

Accepted Date: April 21, 2016

Leila Falahati¹

Abstract

Gender roles defined as the patterns of behavior which are approved by society and culture. In other words gender role is the way men and women doing to recognition as feminine and masculine and culture, and society accepted and encourage those behaviors as appropriate behavior for men and women. Present study aimed to study gender role attitude using Islamic gender role attitude scale. A sample of 400 male and female students at public universities including Allameh-Tabataba'i University, Tehran University and the University of Kurdistan was drawn. Respondents were selected using random sampling method and data were collected with questionnaire. Results revealed that there were no traditional gender role attitude among students and all the respondents have professional and liberal attitude toward gender roles. There were significant gender differences between male and female in gender role attitude so that female students have more liberal attitude. In terms of ethnicity there were gender differences in Fars and Lur attitude, so that male have professional and female have liberal attitude. Among Kurdish respondents, male and female have liberal attitude while among Turkish, both male and female have traditional-professional attitude.

Keywords: Attitude, Gender Role, Gender Differences, University Student, Ethnicity.



IJCR

5

Abstract

1. Assistant Professor in Institute for Social and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology, falahati@iscs.ac.ir.



Bibliography

- 'Abdi, B., Šahr Ārāy, M., & Farāhāni, M. T. (1384 [2005 A.D]). Barresi-e rābeteh-ye beyn-e jens va naqš hā-ye jensiati bā tars az muafaqiat dar dānešjuān. *Ravānšenāsi*, 9, 199-214.
- Afruz, Gh. 'A. (1386 [2007 A.D]). *Hamsarān-e bartar*. Tehrān: Anjoman-e Ulyā va Morabiān.
- Akin, A. & Demirel, S. (2003). Concept of gender and its effects on health, *Cumhuriyet Üniversitesi Tıp Fakültesi Dergisi Halk Sağlığı Özel Eki*, 25 (4), 73-82.
- Beere, C. A., King, D. W., Beere, D. B., & King, L. A. (1984). The sex-role egalitarianism scale: A measure of attitudes toward equality between the sexes. *Sex Roles*, 10 (7-8), 563-576.
- Bettencourt, K. E. F., Vacha-Haase, T., & Byrne, Z. S. (2011). Older and younger adults' attitudes toward feminism: The influence of religiosity, political orientation, gender, education, and family. *Sex Roles*, 64 (11-12), 863-874.
- Blee, K. M., & Tickamyer, A. R. (1995). Racial differences in men's attitudes about women's gender roles. *Marriage and the Family*, 21-30.
- Bryant, A. N. (2003). Changes in attitudes toward women's roles: Predicting gender-role traditionalism among college students. *Sex Roles*, 48 (3-4), 131-142.
- Buchanan, T. (2014). The influence of gender role attitudes on perceptions of women's work performance and the importance of fair pay. *Sociological Spectrum*, 34 (3), 203-221.
- Campbell, B., Schellenberg, E. G., & Senn, C. Y. (1997). Evaluating measures of contemporary sexism. *Psychology of Women Quarterly*, 21 (1), 89-102.
- Charrad, M. M. (1998). Cultural diversity within Islam: Veils and laws in Tunisia. In H. L. Bodman & N. Tohidi (Eds.), *Women in Muslim societies: Diversity within unity* (pp. 63-79). Boulder, CO: Lynne Rienner
- Darling, N., Bogat, G. A., Cavell, T. A., Murphy, S. E., & Sánchez, B. (2006). Gender, ethnicity, development, and risk: Mentoring and the consideration of individual differences. *Journal of Community Psychology*, 34 (6), 765-780.
- Denzin, N. K. (2008). *Symbolic interactionism and cultural studies: The politics of interpretation*. John Wiley & Sons.
- Dökmen, Y.Z. (2004). *Gender social psychological explanations*, Ankara: SistemYayincilik.
- Ehtešām Zādeh, P. (1389 [2010 A.D]). Tahavol-e naqš hā-ye jensiati-e zanān va salāmat-e ravāni-e xānevādeh. *Zan va farhang*, 1(3), 51-65.
- Fortin, N. M. (2005). Gender role attitudes and the labour-market outcomes of women across OECD countries. *Oxford Review of Economic Policy*, 21(3), 416-438.
- Forutan, Y. (1390 [2011 A.D]). Bāznamāyi-e olgu hā-ye ešteghāl-e zanān dar motun-e darsi-e Irān. *Zan dar tuse'eh va siāsat*, 9(2), 39-80.

- Giddens, A. (1378 [1999 A.D]). *Jāme'eh šenāsi* (Persian translation of Sociology), 5th ed. Translated by: Saburi, M., Tehrān: Našr-e Ney.
- Goldberg, W. A., Kelly, E., Matthews, N. L., Kang, H., Li, W., & Sumaroka, M. (2012). The more things change, the more they stay the same: Gender, culture, and college students' views about work and family. *Journal of Social Issues*, 68 (4), 814-837.
- Javādi Āmoli, 'A. (1389 [2010 A.D]). *Zan dar āyineh-ye jamāl va jalāl*. Qom: Asrā.
- Kaufman, G. (2000). Do gender role attitudes matter? Family formation and dissolution among traditional and egalitarian men and women. *Journal of Family Issues*, 21 (1), 128-144.
- Khalid, R., & Frieze, I. H. (2004). Measuring perceptions of gender roles: The IAWS for Pakistanis and US immigrant populations. *Sex Roles*, 51 (5-6), 293-300.
- Lindsey, L. L., & Christy, S. (2011). *Gender roles: A sociological perspective*. Pearson Prentice Hall.
- Lucier-Greer, M., & Adler-Baeder, F. (2011). An examination of gender role attitude change patterns among continuously married, divorced, and remarried individuals. *Journal of Divorce & Remarriage*, 52 (4), 225-243.
- Markaz-e Āmār-e Irān. Našriāt-e markaz-e āmār-e Irān, 1390.
- Mason, K. O., & Lu, Y. H. (1988). Attitudes toward women's familial roles: Changes in the United States, 1977-1985. *Gender & Society*, 2 (1), 39-57.
- Morgan, M. Y. (1987). The impact of religion on gender-role attitudes. *Psychology of Women Quarterly*, 11 (3), 301-310.
- Read, J. N. G. (2003). The sources of gender role attitudes among Christian and Muslim Arab-American women. *Sociology of Religion*, 64 (2), 207-222.
- Ridgeway, C. L. (1997). Interaction and the conservation of gender inequality: Considering employment. *American Sociological Review*, 218-235.
- Smith, C. J., Noll, J. A., & Bryant, J. B. (1999). The effect of social context on gender self-concept. *Sex Roles*, 40 (5-6), 499-512.
- Soruš, M., & Bahrāni, Š. (1392 [2013 A.D]). Rābeteh-ye din dāri, negareš beh nagš hā-ye jensiati va negareš beh farzand bā te'dād-e vāqe'i va ide'āl-e farzand. *Zan dar tuse'eh va siāsat*, 11(2), 189-208.
- Spence, J. T., & Helmreich, R. (1972). The attitudes toward women scale: An objective instrument to measure the attitudes toward the rights and roles of women in contemporary society. *JSAS: Catalog of Selected Documents in Psychology*, 2, 66-67.
- Suzuki, A. (1991). Egalitarian sex role attitudes: Scale development and comparison of American and Japanese women. *Sex Roles*, 24 (5-6), 245-259.
- Thornton, A., & Young-DeMarco, L. (2001). Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: The 1960s through the 1990s. *Journal of Marriage and Family*, 63 (4), 1009-1037.



Xamseh-i, A. (1385 [2006 A.D]). Barresi-e ertebāt-e miān-e raftār-e jensi va tarhvāreh hā-ye naqš-e jensiati dar du goruh az dānešjuān-e mote'ahel: moqāyeseh-ye raftār-e jensi-e zanān va mardān dar xānevādeh. *Xānevādeh pažuhi*, 2(8), 327-339.

Zeyneloglu, S., & Terzioglu, F. (2011). Development and psychometric prosperities gender roles attitude scale. *Journal of Education*, 40: 409-420

Zoherh Vand, R. (1383 [2004 A.D]). Rābeteh-ye edrāk az naqš hā-ye jensiati va rezāyat az jens. *Pažuheš-e zanān*, 2(2), 117-125.

Report

Breaking through the glass ceiling: Women in management. Report for discussion at the tripartite meeting on breaking through the glass ceiling: Women in management. International Labor Office. Geneva, 1997. ISBN 92-2-110642-X.



IJCR

8

Vol. 9
No. 1
Spring 2016